



هیچ تمدنی مبتنی بر نظام های فلسفی نبوده است



محسن الویری: با وجود بدیهی بودن مبتنی بودن تمدن ها بر یک نظام فکری، درباره ویژگی ها و بایستگی های این نظام فکری ابهام های زیادی وجود دارد. مروری تاریخی بر تمدن های جهان نشان دهنده آن است که هیچ یک از این تمدن های قدیم و جدید بر نظام های فلسفی شناخته شده مبتنی نبوده اند و لذا ریشه های فکری آنها را باید در چگونگی فهم و برداشت پدیدآورندگان آن تمدن به ویژه توده مردم از برخی مفاهیم بنیادین که شاید بتوان آن را حکمت مردمی نامید، جست وجو کرد.

این بار با شاهنامه شروع می کردم



نصرالله پورجوادی: اولین کتاب من کتاب «سلسله نعمت الهی» از شاه نعمت الله ولی در قرن هشتم است. با احمد غزالی مجبور شدم به گذشته و عقب بروم که با این عقب رفتن به حلاج در قرن سوم رسیدم؛ که در تمدن اسلامی قرن سوم شگفت انگیزترین قرن هاست. با مقالات کتاب «قوت دل و راحت جان» به قرن دوم هم کشیده شدم. الان برای من به گونه ای شده که بعد از ۶۵ سال تحقیق می گویم اگر می خواستم تحقیقاتم را از نو شروع کنم، با شاهنامه شروع می کردم، چون همه چیز ما در شاهنامه است.

۲ عامل موفقیت پورجوادی



احمد پاکتچی: از عوامل موفقیت پورجوادی وجود یک بستر محکم فلسفی است؛ یعنی یکی از پایه های مهم استحکام علمی که در آثار جوادی وجود دارد، همین پایه فلسفی است. آدمی ممکن است بسیار متفکر، استدلال گرا و دارای یک تفکر ساخت یافته فلسفی باشد اما نتواند این آثار را تولید کند. عنصر دیگری هم وجود دارد که باید در کنار این دو عامل قرار گیرد تا بتواند منجر به این آثار شود و آن تسلط بر منابع است. منابع پورجوادی دایره بسیار وسیعی دارد و مولف هم تسلط ویژه ای بر این منابع دارد.

کارگاه زوج درمانی با ارائه سیدمحسن فاطمی



کارگاه «زوج درمانی براساس حضور پویا در لحظه لانگرن» با تدریس دکتر سیدمحسن فاطمی در «مرکز مشاوره و خدمات روانشناسی احیا» برگزار می شود. این کارگاه دو روزه، دوم و نهم آذرماه از ساعت ۹ تا ۱۳ در خیابان کارگر شمالی، تقاطع جلال آل احمد، بین خیابان سوم و گمنام، روبه روی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، پلاک ۱۸۵۷ برگزار خواهد شد. علاقه مندان برای شرکت در این کارگاه می توانند با شماره های ۸۸۳۵۷۳۱۱ و ۸۸۳۵۸۱۱۵ تماس حاصل کنند.

گزارش مراسم رونمایی از کتاب «خرد و توسعه» دکتر رضا داوری اردکانی

فیلسوف جامعه توسعه نیافته



امیر فرشاف
دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه

جلسه رونمایی کتاب خرد توسعه اثر استاد رضا داوری اردکانی ۲۸ آبان ماه سال جاری در کتابخانه ملی و با حضور تنی چند از اساتید برگزار شد. در ادامه گزارشی از این مراسم را از نظر می گذرانید.

۱۱۱

غلامرضا اعوانی

در ابتدای این مراسم دکتر غلامرضا اعوانی با بیان سابقه ۵۰ ساله آشنایی با دکتر داوری و تمجید از شخصیت علمی و اخلاقی وی، سخنان خود را با بیان میزان اشراق ایشان به حکمت اسلامی و غربی آغاز کرد.

وی در بخش بعدی سخنان خود لفظ توسعه را مفهومی بالذات غربی خواند که باید ماهیت آن، مبادی و مبنای و نتایج آن را در غرب بشناسیم؛ توسعه به معنای سیر به سوی کمال معنوی نیست و سیر طولی ندارد، لذا تقسیم کشورها به توسعه یافته و توسعه نیافته در مورد کشورهای شرقی صحیح نیست. خرد ملحوظ در پیشرفت، غیر از عقل در تعریف قدیم است که دارای مدارج طولی لحاظ می شد، در اینجا عقل به معنای عقل ابزاری است یعنی عقل جزئی (ratio) که بعد از ذکاوت قوت گرفت. عقل کلی در تعریف قدما در پی وحدت امور و رسیدن به حق است اما عقل جزئی به تعطیل و در نهایت به نهیلیسم می انجامد به گفته شاعر: زرد زانندیشی عقل فضولی ایکی شد فلسفی دیگر حولی، که مراد شاعر از «فلسفی» اندیشه تنزیهی محض است و اینکه دنیای امروز به نهیلیسم رسیده، معلول همین قدرت گرفتن عقل جزئی است که به تعطیل ختم می شود. در این تعریف جدید خرد، مفاهیمی چون حکمت و نظر، مأخوذ نیست، بلکه علم در این تعریف تابع قدرت است و در نتیجه عقل جزئی، عقلی ابزاری است که هدف آن تسخیر و تصرف در عالم است، برخلاف حکمت اسلامی که در آن قدرت و اراده تابع علم و حکمت است.

محمد زارع شیرین کند

زارع در ابتدای سخنانش در تمجید از شخصیت داوری به ذکر این مقدمه پرداخت که سخن گفتن از آثار و آرای دکتر داوری، از ضروریات جامعه فلسفی ما است. این محقق فلسفه در تبیین فلسفه دکتر داوری افزود: «فلسفه ای که دکتر داوری می گوید می نویسد، به تعبیر هربرت ماکزوه فلسفه ای انضمامی است؛ فلسفه انضمامی، فلسفه ای غیرانتزاعی است که حقیقت وضع کنونی ما و مسائل و درد و رنج های تاریخی ما را وصف می کند. فلسفه انضمامی وضع انضمامی ما را در تعینات ساختار اجتماعی می بیند و ما به کمک می کند که خود آگاه شویم و امکانات تاریخی مان را بشناسیم.» وی در بخش دیگری از سخنانش گفت: «داوری فیلسوف جامعه توسعه نیافته است و به تحلیل وضع انضمامی آن می پردازد. محتوای آرای داوری شرح درد توسعه نیافتگی در ۱۵۰ سال اخیر است، داوری بیش از نیم قرن است که نسبت ما با تکنولوژی، سنت، فلسفه غرب، توسعه، دموکراسی و آزادی، هنر، شعر و فوتبالت و...

بحث کرده است و دارای مقاله و تالیف است. او در نسبت های مذکور توسعه نیافتگی را دیده و بیان کرده است و در نسبت های مذکور است که سطحی نگری و فلک زدگی را دیده و بیان کرده است. زارع در بخش پایانی صحبت هایش به این موضوع اشاره کرد که فلسفه دکتر داوری فلسفه ای نیست که بتوان به سهولت آن را نادیده گرفت و اضافه کرد: «این فلسفه بر انگیزاننده ذهن های جویا و کنجکاوی است که می خواهند بدانند در کجا قرار دارند؟ چه می خواهند بدانند و بکنند؟ بزرگ ترین خدمت این فلسفه این است که ذهن ها را به سمت خود آگاهی فلسفی سوق می دهد، این فلسفه آسان به دست نیامده است....»

بیژن عبدالکریمی

نویسنده کتاب «پرسش از امکان امر دینی در جهان معاصر» سخنانش را با این مقدمه آغاز کرد که: «تاکنون بزرگداشت های

زیادی برای داوری برگزار شده است اما به رغم تمام این کثرت مراسم، ندای فلسفی داوری به گوش نمی رسد و اگر هم برسد شنیده نمی شود و اگر هم شنیده شود به جان ها نمی نشیند.» وی در ادامه و در تحلیل این وضع افزود: «این به دلیل غربت فلسفه به طور کلی و داوری به طور خاص است؛ چه شأن داوری با شأن فلسفه پیوند دارد. داوری خود به این موضوع یعنی غربت فلسفه و فیلسوف نزد عامه و اهل سیاست در کتابش هم پرداخته و کیست که نداند داوری حدیث نفس می کند؟ اما جامعه و روشنفکری ما هم با داوری سر مهر ندارد و او را ایدئولوگ رسمی حکومت نامیدند در حالی که در این کتاب به رادیکال ترین شکل ممکن به نقد وضع موجود می پردازد.»

عضو گروه فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال در بخش دیگری از سخنانش و در نقد گروه چهارمی که در فهم و تفسیر داوری دچار بدفهمی شده اند، گفت: «امروزه حلقه هایی

تشکیل شده اند که داوری خوانی می کنند و تفسیرهای ایدئولوژیک از افکار دهه ۵۰ او در نقد غرب می کنند که اینان نیز شناخت درستی از داوری ندارند.» عبدالکریمی در بخش ایجابی صحبت هایش در مورد دکتر داوری گفت: «داوری خواهان طرح پرسش بنیادی زمانه ما است؛ اینکه آیا ما شرایط توسعه یافتگی را داریم؟ داوری درست فهمیده است که تجدد و توسعه امری بالذات غربی است و روشنفکران ما نیز برای سنجش میزان توسعه یافتگی مان خود را صرفا با غرب مقایسه می کنند، این در حالی است که داوری در این میان یک استثناست که ما را با غرب مقایسه نمی کند.» در ادامه این نشست دکتر مالک شجاعی نیز به طرح مباحث خود در مورد دکتر داوری پرداخت و در خاتمه خود ایشان پس از تشکر از سخنرانان به این موضوع اشاره کرد که در کنار این دوستان و همراهان، انسان احساس غربت نمی کند.

یادداشت



سید علی شاه صاحبی
دانشجوی فرهنگ و ارتباطات

از حدود دهه ۱۹۵۰ به بعد، سازمان جاسوسی سیا در جریان دستگیری و بازجویی مخالفان نظام سرمایه داری، بخشی از فعالیت های خود را به سمت تحقیق و بررسی روش های بازجویی و تخلیه اطلاعات قرارداد. این سازمان با چند روانپزشک ناشناخته اما با استعداد به نحو پنهانی قرارداد بست که پروژه آنها را پیگیری کرده و نتایج را برای این سازمان ارسال کنند. در این بین دکتر ایون کامرون (Even Cameron) به عنوان محقق این پروژه انتخاب شد.

وی یک کلینیک مجهز ایجاد و به صورت پنهانی این پروژه را روی بیماران خود پیاده کرد. روش کامرون به صورت استفاده از شوک های الکتریکی و قرص های قوی آرام بخش بود. فرضیه اصلی کامرون «قالب شکنی ذهنی» بود. وی معتقد بود آگاهی و تعقل انسان به دو چیز وابسته است:

۱- حواس پنج گانه که داده های حسی را به ذهن منتقل می کند.
۲- حافظه که وظیفه حفظ و نگهداری اطلاعات را برعهده دارد. وظیفه اصلی کامرون یافتن روشی بود که ذهن را به حالت تعلیق درآورد و به مرور و با افزایش قدرت ناخودآگاه اطلاعات خود را افشا کند اما اگر این امر محقق نشد، روشی یافته تا ذهن از اطلاعات قبلی خالی و تبدیل به یک لوح سفید و بکر شود تا از نو و به شکل دلخواه ساخته شود.

کامرون پس از تحقیقات فراوان به این نتیجه رسید که در اثر «شوک های الکتریکی» می توان حافظه را به حالت تعلیق درآورد و به مرور و با افزایش قدرت شوک، حافظه را از بین برد و آن را خالی کرد. در مرحله بعد، کامرون بیماران خود را در یک اتاق تاریک حبس می کرد، به طوری که از طریق قرص های قوی خواب آور، بیشتر ساعات در خواب باشند و غذای آنها نیز به شکل نامنظم آورده شود. وی همچنین دست و پای افراد را بی تحرک می بست تا از این طریق هیچ گونه داده حسی در طول مدت چندماه به ذهن آنها وارد نشود. لذا از روش هایی جهت از کار انداختن ذهن استفاده می کرد. پژوهش کامرون در نهایت باعث شد بسیاری از بیماران نه تنها حافظه خود را از دست بدهند

شوک بزرگ؛ بازگشت سرمایه داری

بلکه بسیاری از آنها به مرحله طفولیت بازگشته و حتی توان کنترل ادرار خود را نیز از دست داده بودند. هرچند در نهایت اطلاعات این پروژه امنیتی با شکایت برخی بیماران فاش و سازمان سیا مجبور به پرداخت جرایم سنگینی شد اما پروژه دکتر کامرون دستاورد ویژه ای برای ایالات متحده داشت که ثمرات آن در زندان های گوانتانامو و ابوقریب و نحوه بازجویی ها نمایان است. یکی از اصلی ترین ثمرات تحقیق کامرون با عنوان «شوگ درمانی» تحولی بود که در علم اقتصاد در سال های ۱۹۷۰ به بعد و به طور خاص در دانشگاه شیکاگو توسط میلتون فریدمن ایجاد شد. فریدمن که از جمله اساتید معدودی بود که در اواخر قرن ۱۹ میلادی به بازار آزاد و کوچک سازی دولت معتقد بود، پروژه ای را برای احیای سرمایه داری و بازار آزاد با نام «شوگ درمانی» آغاز کرد. پروژه ای که باعث تاسیس «مکتب اقتصادی شیکاگو» در دانشگاه شیکاگو شد. در ابتدا پروژه وی با انتقاداتی شدید از طرف کمونیست ها مواجه شد اما پس از به قدرت رسیدن نیکسون در آمریکا و با مشورت هایی که سرمایه داران هراسناک از انقلابات چپی به نیکسون، رئیس جمهور جدید آمریکا دادند، پروژه فریدمن مورد حمایت قرار گرفت و از آن حمایت های مالی شد. طرح اصلی فریدمن کوچک سازی دولت و واگذاری امور اقتصادی به شرکت های خصوصی و سپردن بازار به خودش بود. اما برای رسیدن به این مقصود، نیازمند بحرانی بود که بتواند در آن زمان اصلاحات خود را ارائه و امور اقتصادی را تغییر دهد.

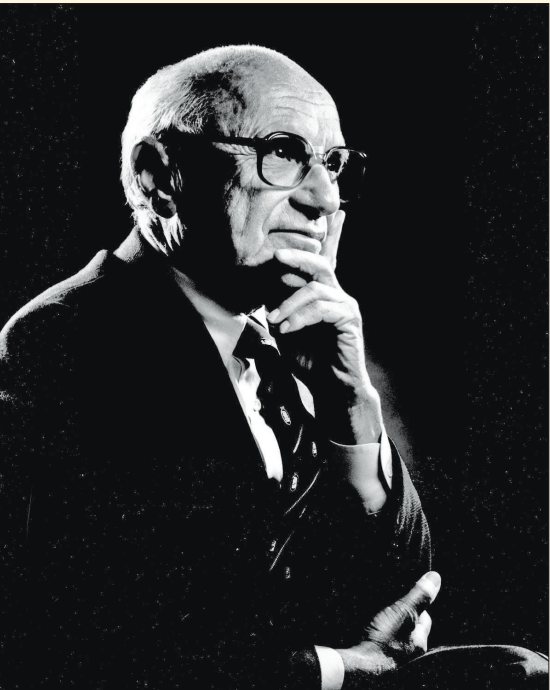
وی می گوید: «فقط یک بحران (چه بحران واقعی و چه بحران ساختگی) به تغییر واقعی می انجامد. به نظر من برای سیاست های اقتصادی موجود باید بدیل هایی آماده کنیم تا در زمان بحران، آنچه ناممکن بود، به یک تصمیم

طرح اصلی فریدمن کوچک سازی دولت و واگذاری امور اقتصادی به شرکت های خصوصی و سپردن بازار به خودش بود. اما برای رسیدن به این مقصود، نیازمند بحرانی بود که بتواند در آن زمان اصلاحات خود را ارائه و امور اقتصادی را تغییر دهد.

اجتناب ناپذیر تبدیل شود.» ناوومی کلاین، نویسنده و خبرنگار مطرح آمریکایی می نویسد: «راهبرد اصلی فریدمن چنین است: نشستن در انتظار بحرانی عمده، سپس حراج و فروش اجزای دولت به بازیگران بخش خصوصی در حالی که مردم در اثر شوگ دچار سرگیجه هستند و نهایتا دائمی کردن اصلاحات کذابی با سرعت هرچه تمام تر.» اما چرا در زمان بحران؟ زیرا در این دوره زمانی بسیاری از مسرمد در تلاش برای حفظ جان خود و فقط درصدد فراهم کردن ضروریات زندگی خود هستند. در همین زمان نیز پیروان فریدمن در تلاش برای ایجاد ایده بازار آزاد در سیاست های اقتصادی جامعه هستند.

فریدمن نخستین بار ایده خود را در شیلی پیاده کرد. او در زمانی که شیلی دچار بحران اقتصادی و تورم شدید بود به پینوشه، دیکتاتور شیلی توصیه کرد اقدامات اقتصادی زیر را به سرعت در جامعه انجام دهد: «کاهش مالیات ها، آزادسازی تجارت خارجی، خصوصی سازی خدمات آب، برق و تلفن، کاهش مخارج اجتماعی دولت و حذف مقررات از بازار.» او برای این راهکار دردناک که بسیاری از مردم را در سخت ترین شرایط قرار می داد، عبارت «شوگ درمانی اقتصادی» را جعل کرد. پینوشه نیز این شوگ درمانی را در شیلی ایجاد کرد و ثمرات آن منجر به فقر و فاقه کشاندن بسیاری از مردم شیلی شد. همچنین راه ورود بسیاری از شرکت های خصوصی و چندملیتی از جمله شرکت های آمریکایی به شیلی باز شد و سود سرشاری از این بحران عاید این شرکت ها شد.

یکی از نتایج پیاده سازی چنین سیاست اقتصادی ای که از مکتب اقتصادی شیکاگو به آن اذعان شده است، از بین رفتن و مرگ عده زیادی از مردم در این بحران است که به زعم فریدمن باعث تعادل اقتصادی می شود. همچنین در



این روش و در زمان بحران، بسیاری از مخالفان و منتقدان اصلاحات ناپدید می شوند تا هرگونه مخالفتی سرکوب شود.

بنابراین سه دستاورد اصلی شوگ درمانی اقتصادی، عبارت است از:

- حذف حوزه عمومی- دولتی
 - آزادی عمل کامل شرکت ها
 - کاهش شدید هزینه خدمات رفاهی و اجتماعی
- یعنی زنده شدن و قدرت یافتن سرمایه داری و سرمایه داران و به رنج و سختی واداشتن بسیاری از مردم و اقشار ضعیف جامعه و طرد آنها از صحنه اجتماع. در یک جمله: «آغاز دیکتاتوری سرمایه داران شرکت محور.»